



### رویکرد سوسیال دموکراسی آیت الله طالقانی

سیدمحمد مهدی جعفری

چشم‌انداز ایران، ش ۵۲، آبان و آذر ۱۳۸۷

آیت‌الله طالقانی در زمینه عقاید دینی، مسائل سیاسی و مدیریت اجتماعی بر این باور بود که مردم باید آزاد باشند و آنگاه که آزادانه و آگاهانه عقیده‌ای را پذیرفتند، سخت به آن پایبند می‌شوند و اما در زمینه اقتصادی بسیار سخت‌گیر و سازش‌ناپذیر بود؛ زیرا دارایی و ثروت را حق همه افراد اجتماع می‌دانست و تبعیض، امتیاز، رانت خواری، حق‌بری و مال مردم‌خوری را گناه نابخشودنی و مساوی با شرک به شمار می‌آورد. آیت‌الله طالقانی با استنباط و برداشت از آیات قرآن و با تفقه واقعی در آنها، مالکیت انسان‌ها را محدود و مقید می‌داند و قدرت تصرف افراد در مال و دارایی را وکالتی و نیابتی می‌داند که خداوند به جانشینان خود در زمین داده تا آن مال و ثروت را در راه خیر و مصلحت عموم، نه خود، خانواده، گروه، باند و مانند این، از بخش خصوصی صرف‌کنند. هر چه که حقی ایجاد نکند و یا تصرف مضر به اجتماع و افراد باشد، چون ریا، حيله، قمار و دزدی، از نظر برتر قرآن، مالکیت به حق و حقیقی از آن خداوند و حق بهره‌مندی و انتفاع برای بندگان، در حد نیاز و خدمت و کار مانند مهمان و واجب‌التفقه است. استنباط آیت‌الله طالقانی از آیات قرآنی این بود که باید یک سیستم اقتصادی سوسیالیستی بر پایه ایمان به خدا و بر محور انسان‌ها و منافع عموم شکل گیرد، تا یک زندگی اقتصادی مستقل انسانی و عزت‌بخش، که قیام انسانی افراد را تضمین کند به ارمان آورد و در سایه چنین زندگی اقتصادی انسانی و مستقل، به عدالت سیاسی، آزادی اجتماعی و مردم‌سالاری بالنده نیز دست یابد و سرانجام فارغ از دغدغه‌های استثمار، استبداد و استعمار خدای یگانه را بپرستد و یک مجتمع توحیدی، به معنای واقعی آن بنیاد نهد. اصول حقوقی و احکام زیر را می‌توان از آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...» دریافت.

۱. در حقیقت اموال از آن خداوند است که آنها را دارای ارزشی، در حد نیازمندی برای قیام همه گردانده است.

۲. حق تصرف و یا مالکیت با این جعل از آن همه است.

۳. به حسب تصرفات کمالی افراد و ارزش‌های بیشتری که می‌دهند، حقوق خاص از مالکیت می‌یابند، از قبیل حیازت، استخراج، ارث و... و این حق تا آنجا نافذ است که قیام آن را برای اجتماع مختل و منحرف نگرداند و همین که از پایه قیامی منحرف شد، حق اجتماعی بر آن سایه می‌افکند و تصرف افراد را سلب یا محدود می‌کند. ناظر در این امور، همه اجتماعند که دولت نمایندۀ آنها و مجری احکام خداست. استخراج فروع از این اصول و تطبیق آن و تشخیص اولیا و قیم‌ها، به عهده صاحبان رأی و نظر است. آیت الله طالقانی رویکردی سوسیالیستی، به معنای عدالت اجتماعی و حفظ منافع عموم مردم، با زیربنای اصلاح نفس انسان به وسیله ایمان به خدا و اصالت انسان به عنوان فردی فطرتاً اجتماعی، در یک اجتماع ایمانی متعاون، سالم و متکافل دارد. اسلام برای آدم‌سازی و برای رشد و تکامل انسان‌ها آمده است و از این رو در اسلام نهادی به نام حکومت وجود ندارد. بنابراین دیدگاه آیت الله طالقانی این چنین است: «پس چنان که اراده خداوند، در صورت نیرو و قدرت حکیمانه، بر سراسر جهان حکومت دارد، در اختیار، اراده و اجتماع انسانی هم که جزء ناچیزی از جهان است، همان باید حاکم باشد و حکومت تنها برای خداوند است: «ان الحكم الا لله؛ فرمانروایی تنها از آن خداست». این اراده برای بشر به صورت قانون و نظام‌ها در آمده است.» از طرفی نظر ایشان درباره آزادی این است: آزادی انسان تنها این نیست که از لحاظ اقتصادی و وضع نظام اجتماعی آزاد باشد، آزادی مهم‌تر این است که اندیشه انسان آزاد باشد و قالبی فکر نکند، خیلی از مردم هستند که ندای آزادی سر می‌دهند و طرفدار آزادی هستند، ولی می‌بینم که در قید و بند مکتب‌های خاصی هستند. اینها در واقع برده مکتب هستند، برده فکرند، برده نظام حزبی و اجتماعی هستند. نه! می‌گوییم قرآن برای انسان آزاد است، برای آزاد کردن انسان است، انسانی که بخواهد آزاد بشود. هر مذهبی و هر مکتبی که بشر را در محدود خودش نگه دارد و آزادی، فکر و اندیشه را از او بگیرد و محدودش کند، این مکتب ضد بشر است. آن مکتبی، مکتب انسانیت و بشریت است که به همه در فکر کردن خارج از محدوده مذهب و مکتب آزادی بدهد. اصل شورا پایه اجتماعی اسلامی است و پایه دموکراسی است. دموکراسی همان مدیریتی است که از مردم برخاسته، برای مردم خدمت می‌کند و اختیار آن در دست مردم است. اگر مردم کسی را خواستند و به مدیریت، در هر سطحی برگزیدند، او هم باید خواست مردم را بپذیرد، همیشه برای مردم خدمت کند، با مردم باشد و بر پایه قرارداد و قانونی که با مردم داشته رفتار کند، به طوری که اگر از آن قرارداد و پیمان دو جانبه منحرف شد، مردم حق داشته باشند و بتوانند او را برکنار کنند. آیت الله طالقانی نیز معتقد است که مسأله شورا از اساسی‌ترین مسائل اسلامی است، حتی خداوند به پیامبر اکرم ﷺ با

آن عظمت می‌گوید: با این مردم مشورت کن، به اینها شخصیت بده، بدانند که مسؤولیت دارند، این یک اصل اسلامی است؛ یعنی همه مردم از خانه، زندگی و واحدها باید با هم در کارشان مشورت کنند.

گزارشگر: محمدباقر محمدی‌منور

## خداباوری و فهم علمی درباره ذهن

روبرت اودی / انشاءالله رحمتی

اطلاعات: ش ۲۴۳۶۱، ۱۳۸۷/۹/۲۳

از جمله مسائل حوزه اندیشه دینی، که در دنیای امروز فراوان مورد بحث قرار گرفته، رابطه علم و دین است. رابطه میان دین و علم، دیرزمانی به خصوص از چارلز داروین به این سو، از دغدغه‌های اصلی فلسفه دین بوده است. این رابطه اجزای بسیاری دارد. ولی مهم‌ترینشان، ممکن است مباحث مرتبط با مفهوم ذهن باشد. بهترین روش این است که برای هر اصطلاح مبنایی، توصیفی مقدماتی ارائه شود تا به کمک آن بتوان مهم‌ترین مباحث فلسفی مربوط به مسأله را مورد بحث قرار داد. خدایباوری از همان نوعی است که در مسیحیت، یهودیت و اسلام تشریح شده و حول محور خدا، به عنوان آفریدگار عالم مطلق، قادر مطلق، خیرخواه مطلق جهان متمرکز است. خدا، در خدایباوری غربی، معیار تعبیری فلسفی است و بنابراین مفهوم خدا، یک مفهوم دینی که ریشه در کتاب آسمانی یا نهاد دینی روزمره داشته باشد، نیست. تصور سنتی از خداوند به عنوان آفریدگار عالم، هم در منابع مربوط به مسأله ما محوریت دارد و هم تصویری است که خدایباوران عادی با تأمل در لوازم تصور در آغاز بسیط‌تر خویش از خدا، به راحتی به آن می‌رسند. این نظریه پردازان بر آن است تا توصیفی از پدیدارهای تجربه، نه فقط از پدیدارهای مادی، بلکه از پدیدارهای روانی نیز، عرضه کند و در پی توصیفی است که از نیروی تبیین و پیش‌بینی برخوردار و به نحوی با استفاده از مشاهده، یا آزمایش، آزمون‌پذیر باشد. فقط در صورتی به فهم پدیدارهایی، چون پدیدارهای رفتار بشری می‌رسیم که بتوانیم آنها را، بر مبنای حالات یا فرایندهای مبنایی پیش‌بینی کنیم. خدایباوری غربی معیار، تقریری پرمایه از خدایباوری است که نه فقط صفاتی دامنه‌دار، بلکه به تبع همین، دو صفت ذهنی توأمان، علم و اختیار را نیز به خدا نسبت می‌دهد. در نظر بسیاری از کسانی که فهمی از علم تجربی دارند، نظریات این علم توصیفی، از پدیدارها عرضه می‌کنند که از نیروی تبیین و پیش‌بینی برخوردار است، حوادث را به اعتبار نقش‌های علی‌شان تصویر می‌کند و عموماً آنها را تحت قالب‌هایی به تصویر می‌کشد که می‌شود بر مبنای حالات یا فرایندهای مبنایی، تبیینشان کرد. حالات و فرایندهایی از آن دست که مستلزم آرای‌ها، جنبش‌ها و نیروها در میان ذرات اولیه است. با مبنا قرار دادن این